

رویه خود را اصلاح کنید



محمدجواد روح

سردبیر هم‌میهن

رئیس قوه قضائیه روز گذشته در سخنانی درباره بیانیه اخیر جبهه اصلاحات موضع‌گیری کرد. او از یک‌سو، از آن دسته نیروهای سیاسی که این بیانیه را محکوم کرده‌اند، قدردانی کرد و از سوی دیگر، خطاب به صادرکنندگان بیانیه از آنها خواست «از مسیر اشتباه‌شان بازگردند و رویه خود را اصلاح کنند»؛ توصیه‌ای که البته با نوعی تهدید ضمنی هم همراه بود: «طبیعی است که دادستان تهران در این راستا، به تکلیف قانونی خود عمل خواهد کرد.»

موضع‌گیری سیاسی عالی‌ترین مقام دستگاه قضایی، سومین اقدام بحث‌برانگیز این دستگاه پس از جنگ ۱۲ روزه محسوب می‌شود. نخستین اقدام، روی میز آوردن لایحه جدید بر خورد با فضای مجازی پس از دو سال بود که قوه قضائیه آن را به دولت ارسال کرده بود و معاونت حقوقی ریاست جمهوری هم با حذف بخش‌هایی آن را به شکل دوقورتی به مجلس فرستاد که البته پس از اعتراض گسترده کارشناسان حقوق و رسانه، شخص رئیس جمهور آن را از مجلس پس گرفت. البته، قوه قضائیه در آن ماجرا سکوت پیشه کرد و عملاً تهیه و ارسال لایحه (که به «صیانت ۲» معروف شد)، به پای دولت و رئیس جمهور نوشته شد. اما روشن بود که در این مسیر، قوه قضائیه طراح اصلی بوده است؛ به‌ویژه مواد و بندهای جنجالی که مربوط به صدور احکام و وجه قضایی لایحه بود و دولت امکان تغییر و تعدیل آن را هم نداشت. ضمن آنکه در همین مقطع، رئیس قوه قضائیه و مقامات عالی دستگاه قضایی بیش از پیش بر مباحثی چون «تامین امنیت روانی جامعه» تأکید می‌کردند و روشن بود که خواستار تصویب سریع لایحه‌ارسانی برای گشودن دست قضات و دادرها برای برخورد با فعالان رسانه‌ای و مجازی هستند.

دومین اقدام بحث‌برانگیز، اظهارات رئیس قوه قضائیه درباره زندانیان سیاسی بود که در اظهاراتی خواستار لیست این زندانیان از مدیران رسانه‌ها و فعالان سیاسی شد که در مقابل، حقوق‌دانان، رسانه‌ها و نیز جبهه اصلاحات معیارهای زندانیان سیاسی و عقیدتی را اعلام کردند و حتی برخی فعالان حقوق بشر همچون آقای عمادالدین باقی از ارسال لیستی ۷۰ نفره از این زندانیان به دستگاه قضایی خبر دادند که از آن زمان، هیچ خبری مبنی بر آزادی حتی یکی از زندانیان سیاسی (حتی همان سه نفری که خود رئیس قوه قضائیه به آنها اشاره کرده بود، نشده است. (بگذریم که در همین ایام، چگونگی انتقال زندانیان از زندان تهران بزرگ به اوین هم بحث‌ها و پرسش‌های بی‌پاسخ زیادی را شکل داد و مواجهه رسانه‌ای دستگاه قضایی با انتقادات خانواده و وکلای زندانیان سیاسی قانع‌کننده نبود).

پس از آن دو اقدام بحث‌برانگیز، حال شاهد سخنان رئیس قوه قضائیه هستیم که به شکلی مستقیم و عیان، وارد موضوعی کاملاً سیاسی می‌شود و حتی همچون تحلیلگری سیاسی، به دسته‌بندی واکنش جریانات درون و بیرون جبهه اصلاحات به بیانیه اخیر می‌پردازد؛ با این تفاوت، که این تحلیلگر سیاسی نه یک روزنامه‌نگار یا فعال سیاسی، بلکه عالی‌ترین مقام دستگاه قضایی است و قادر به استفاده از ابزارهای قدرت علیه نیروهای سیاسی. بدیهی است که این موضع‌گیری، مصداق بارز نقض بی‌طرفی از سوی دستگاه قضایی است؛ آن‌هم نه در موضوعی که ارتباطی با مباحثی چون امنیت ملی و تمامیت ارضی و حتی «امنیت روانی» مورد ادعای مسئولان این دستگاه داشته باشد. موضوع، صرفاً صدور بیانیه‌ای از سوی یکی از اصلی‌ترین نیروهای سیاسی کشور است که طبیعتاً، هم مخالفان، هم حامیان و هم منتقدانی دارد. اما فارغ از محتوا و حتی لحن و ادبیات بیانیه، و مخالفت‌ها، حمایت‌ها و انتقادهایی که برانگیخت؛ اصل بیانیه و واکنش‌های آن، حوزه‌ای کاملاً سیاسی است که دستگاه قضایی و به‌ویژه رئیس آن، باید در قبال آن پرهیز و تقوا به خرج دهد. متأسفانه، نه‌فقط در این مورد شاهد این وضعیت نیستیم؛ بلکه به نظر می‌رسد رئیس

قوه قضائیه در ماه‌های اخیر، هر روز بیش از پیش، از گفتارهای مرتبط با حوزه تحت‌مسئولیت خود فاصله می‌گیرد و به گفتارها و موضع‌گیری‌های سیاسی ورود می‌کند. این رویکرد جدید، دقیقاً در جهت خلاف نقطه مثبت و امیدبخشی بود که از سوی آقای اژه‌ای از ابتدای مسئولیت در مقام رئیس قوه قضائیه دیده می‌شد و او را از رؤسای قوه پس از جنگ (شاید جز هاشمی‌شاهرودی)، متمایز می ساخت. ضمن آنکه پایگاه و سابقه اژه‌ای در دستگاه قضایی نیز با رؤسای قبل که صرفاً وجهه‌ای فقهی یا سیاسی داشتند، قابل مقایسه نیست. شاید نوع گفتارهای سیدابراهیم رئیسی و صادق آملی‌لاریجانی که ریاست قوه قضائیه را پله‌ای از مناصب قدرت می‌دانستند و به این مسئولیت هم، به چشم‌پستی سیاسی می‌نگریستند؛ توجیه داشت. اما در مورد اژه‌ای که تاکنون، بیشتر وجهه‌ای درون قوه‌ای از خود به نمایش گذاشته است و به نظر می‌رسد برای ریاست قوه قضائیه به‌ماهو ریاست قوه قضائیه ارزش قائل است؛ چنین توجیهی نیز نمی‌توان قائل شد. چنین تغییر رویکردی از سوی رئیس قوه قضائیه نه‌فقط تبعاتی در سطح شخص ریاست قوه در پی خواهد داشت و تصویری را که از خود (به‌ویژه پس از حوادث ۱۴۰۱) ساخته بود، مخدوش می‌سازد؛ بلکه در سطح کلان و ملی نیز، تبعات منفی به همراه خواهد داشت و جایگاه قوه قضائیه را که تا حدی از ابزارای سیاسی به سوی نهادی حقوقی ارتقاء یافته بود، بار دیگر تضعیف می‌کند؛ رخدادی که قطعاً بیش از ده‌ها توتیت و مقاله و بیانیه، می‌تواند انسجام داخلی را تضعیف کند و امنیت روانی جامعه (به‌ویژه در سطح نخبگان) را به مخاطر، اندازد.

با چنین نگاهی، اتفاقاً مخاطب اصلی جمله «رویه خود را اصلاح کنید»، نه صادرکنندگان بیانیه بلکه شخص رئیس قوه قضائیه است. چراکه صادرکنندگان بیانیه (فارغ از محتوا، مضمون، ادبیات و مطالباتی که در بیانیه جبهه اصلاحات آمده است و طبیعتاً مخالفان و موافقانی دارد)، نقش و مسئولیت طبیعی و بدیهی خود را به‌عنوان یک نیروی سیاسی ایفا کرده‌اند؛ همچنان که مخالفان و منتقدان بیانیه هم، نقش سیاسی خود را صورت داده‌اند. اما گفتارهای اخیر رئیس قوه قضائیه و به‌ویژه سخنان دیروز، هر چه باشد، نسبت و تناسبی با جایگاه قضا‌دارد و حتی برخلاف خواست گوینده، موضع منتقدان و مخالفان بیانیه را تضعیف می‌کند و آنان را از جایگاه نیرویی سیاسی خارج می‌کند و در مظان ایفاکننده نقشی قضایی -امنیتی قرار می‌دهد. تجربه ورود قوه قضائیه به مباحث درونی نیروهای سیاسی، پیش از این هم وجود داشته است و نتایجی کاملاً خلاف خواست بر خوردکنندگان به جا گذاشته است. نمونه بارز آن، آقای سیدمصطفی تاج‌زاده است که تا قبل از بازداشت در سال ۱۴۰۱، برخی مواضع او از سوی دیگر اصلاح‌طلبان و حتی برخی دوستان نزدیک و کهنه‌کارش در سازمان مجاهدین انقلاب نقد می‌شد یا به منازره با او می‌پرداختند و مخاطبان سیاسی و رسانه‌ای هم، برداشت خود را از این مواجهه صورت می‌دادند. اما در سه سال گذشته و پس از بازداشت تاج‌زاده، با آنکه بعضاً در تماس‌های تلفنی و گفت‌وگوهای غیررسمی، نقدها و نظرات متقابل طرح می‌شود؛ اما کسی به نقد صریح و علنی او بر نمی‌آید و اگر هم چنین کند، مخاطب فارغ از محتوای مواضع دو طرف، حق را به کنشگر سیاسی دربند می‌دهد. درباره کلیت جبهه اصلاحات و فراتر از آن نیروهای معترض سیاسی نیز، تجربه پس از انتخابات۱۳۸۸ پیش‌روست که در آن، تقریباً همه نیروهای موثر و شناخته‌شده اصلاح‌طلب و منتقد به زندان رفتند؛ اما خروجی آن وضعیت، رای اکثریت به نامزد مورد حمایت اصلاح‌طلبان در سال ۱۳۹۲ (حسن روحانی) و اقبال جامعه به تکرارهای ختیمی و حمایت‌های هاشمی در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ بود؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت محاکمات و بازداشت‌ها، سرمایه اجتماعی نابودشده اصلاح‌طلبان در نیمه نخست دهه ۱۳۸۰ را در ابتدای دهه ۱۳۹۰ بازتولید کرد و حتی آنان را بسیار منسجم‌تر و پیگیرانه‌تر از قبل، به میدان سیاست بازگرداند. ریاست دستگاه قضا حتی اگر از گفتارهایش هدف و خواستی سیاسی را تعقیب می‌کند، جادارد چنین تجربه‌هایی را باز خواند و رویه خود را اصلاح کند...

تیتریک

۲

HEADLINE ONE

گزارش یک

مسعود پزشکیان در مراسم تجدید میثاق هیات دولت با امام راحل:

بدرفتاری با مردم یعنی جنگ با خدا

مردمان باشیم و تلاش کنیم تا جایی که امکان پذیر است با وحدت و انسجام گره از مشکلات مردم برداریم و نسبت به مردم با خشونت و بداخلاقی برخورد نکنیم.» رئیس جمهور با بیان اینکه امام علی (ع) می‌فرماید که مردم یا از نظر دینی یا ما برابر و برادر هستند، یا در خلقت با هم یکجور آفریده شده ایم، گفت: «اگر اینگونه با مردممان برخورد کنیم و ما همه، از گُرد، ترک، لر، عرب، عجم، بلوچ و گیلک و هر کسی که در این مملکت زندگی می‌کند، با برادری برخورد کنیم و حتی اگر گاهی اشتباهی کردند، با عفو و گذشت و محبت برخورد کردیم، همانگونه که دوست داریم خداوند با ما برخورد کند، مشکلات رفع خواهند شد؛ ما اینجا هستیم که خدمتگزار مردم باشیم، این سخنان فقط برای یادآوری است و برای اینکه بدانیم بودن، وجود و جایگاه‌مان برای خدمت به مردم و رفع مشکلات و گره‌های مردم است. خیلی جاها اگر مشکل وجود دارد، ناشی از قصور، ناتوانی، اختلافات و دعوای ماست و اگر موفقیتی وجود دارد در حقیقت ناشی از حضور مردم و عفو و رحمت خداست.» پزشکیان با اشاره به اینکه حضرت علی (ع) همچنین بدرفتاری کردن با مردم را در حکم ایستادن در مقابل و جنگ با خدا توصیف می‌فرماید، تأکید کرد: «نمی‌توان در مقابل خدا ایستاد و از عفو و رحمت او دور ماند. اگر با مردم درست برخورد نکنیم، خدا را خشمگین و ناراحت

سنگین اقتصادی به دنبال تضعیف اقتدار جمهوری اسلامی هستند، صدور چنین بیانیه‌هایی از سوی برخی جریان‌های سیاسی که نام «اصلاحات» را یک می‌کشند، چیزی جز تکرار روایت رسانه‌های بیگانه و دمیدن در شیبور تسلیم و وادادگی نیست.»

حسین شریعتمداری، مدیر مسئول روزنامه کیهان از حمله ائمه جمعه به جبهه اصلاحات حمایت کرده و بیانیه جبهه اصلاحات را «تر جمه فارسی سخنان تنائیا هو» دانست و نوشت که «این واقعیت تلخ و گزنده فقط با مقایسه متن بیانیه و اظهارات بارها اعلام شده تنائیا هو به وضوح قابل فهم است.» او در ادامه افزود: «روشنگری ائمه جمعه درباره بیانیه اخیر جبهه اصلاحات که همراهی آشکار با اهداف اعلام شده آمریکا و رژیم صهیونیستی بود، به مذاق برخی از اعضای این جریان آلوده خوش نیامده و زبان و قلم به انتقاد علیه امامان جمعه گشوده‌اند. نکته در خور توجه در انتقادات آن‌ها، اینکه هیچ کدام جرأت دفاع از بیانیه یاد شده را نداشته‌اند و به کلی گویی‌های بی‌سر و ته بسنده کرده و ترجیح داده‌اند به متن آن سپیانامه کمترین اشاره‌ای نکنند چراکه بیانیه جبهه اصلاحات همانگونه که در کیهان آورده بودیم «تر جمه فارسی سخنان تنائیا هو» است و این واقعیت تلخ و گزنده فقط با مقایسه متن بیانیه و اظهارات بارها اعلام شده تنائیا هو به وضوح قابل فهم است. مضحک‌ترین نمونه اعتراض به روشنگری‌های ائمه جمعه، توثیت سخنگوی جبهه اصلاحات است که نوشته است: «ائمه جمعه‌ای که باید در تریبون نماز جمعه، خود و جامعه را به تقوا توصیه کنند و در راه وحدت و ثبات بکوشند، بدل به فعال سیاسی شده‌اند!» این اعتراض در حالی است که؛ اولاً، نماز جمعه ماهیتی «سیاسی عبادی» دارد و نمی‌تواند و نباید از طرح و تبیین مسائل سیاسی خالی باشد. ثانیاً: ظاهراً آقایان فراموش کرده و یا خود را به فراموشی زده‌اند که «دین و» «سیاست» دو مقوله جدای از یکدیگر نیستند و «دین ما عین سیاست ماست.» ثالثاً: جدائی دین از سیاست، ویژگی شناخته‌شده و انحرافی فرقه‌ای است که با عنوان «شیعه انگلیسی» شناخته می‌شوند و قرائت دیگری از «خوراج» است.» شریعتمداری تأکید کرد: «جبهه اصلاحات در بیانیه خود، از روزه‌های بر باد رفته آمریکا و رژیم صهیونیستی، در جنگ دوازده روزه اخیر را دنبال کرده است. تنائیا هو و ترامپ، با صراحت اعلام کرده بودند که هدف نهایی آن‌ها از جنگ «تغییر نظام حکومتی ایران -Regime change» بوده است و بیانیه جبهه اصلاحات دقیقاً همین آرزوی لگدمال شده دشمنان تابلودار نظام را دنبال کرده اس. و بالاخره این چند بیت از سروده بسیار نغز و هوشمندانه خواهر گرمی‌مان سرکار خانم راضیه رجب‌ای وصف‌الحال است، از یک سو خطاب به آن عده از جبهه اصلاحات که سیاه‌نامه یاد شده را در دفاع از آمریکا و رژیم صهیونیستی منتشر کرده‌اند و از دیگر سوی خطاب به مراجع قضائی و امنیتی که حفاظت از مبانی و اصول نظام و مقابله با پادوهای دشمن را برعهده دارند؛ در این قبیله نخل تناور همیشه هست / مقدار هست مالک اشتر همیشه هست / اینجا که کوفه نیست خوار ج علم شوند / سلمان نمرده است ابادر همیشه هست.»

حسین کنعانی مقدم، کارشناس مسائل سیاسی نیز این بیانیه را ذلت توصیف کرده و گفت: «نقشه اسرائیل و آمریکا برای تکمیل طرح خود نیاز به چنین بیانیه‌ای داشت. متأسفانه بخشی از جریان اصلاح‌طلب- که به نظر من خوار جین جریان محسوب می‌شوند- در راستای همان نقشه کلی دشمن، اقدام به انتشار این بیانیه کردند تا آرامش داخلی را به هم بزنند. این بیانیه، نوعی اعلام تسلیم، عقب‌نشینی و ذلت در برابر فشارهای دشمن است و کاملاً برخلاف مسیر جریان غالب اسلامی و رویکرد مقابله با صهیونیسم جهانی قرار دارد. کلماتی در این بیانیه به کار رفته که به معنای بلند کردن پرچم سازش با دشمن است نه مقابله.» کنعانی مقدم تصریح کرد: «کسانی که این بیانیه را تهیه کرده‌اند، به مردم خیانت کرده‌اند؛ مخصوصاً با توجه به جنگ اخیر و شهادت دانشمندان کشور، این بیانیه به نوعی خیانت به آن رشادت‌هاست.»

گروه خبر: روز گذشته و به مناسبت هفته دولت، مسعود پزشکیان، رئیس جمهور بار دیگر در آیین تجدید میثاق با آرمان‌های امام راحل همراه با اعضای دولت چهاردهم به بهشت زهرا رفت. او پس از ادای احترام به شهدای جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل، همچنین شهدای جنگ تحمیلی و ابتدای انقلاب با حضور در مرقد مطهر گفت: «رهنمودها و ابراز لطف مقام معظم رهبری نسبت به دولت، کار و وظیفه ما را در رابطه با اهدافی که در ذهن داریم و همان اهداف انقلاب اسلامی است، سنگین‌تر کرد تا بتوانیم مسیری که حضرت امام راحل به ما نشان داد، طی کنیم.»

او با اشاره به فرمایش امام علی (ع) به مالک اشتر مبنی بر اینکه دعوای و اختلافات و جنگ‌ها از روی هوای نفس است و اگر هوای نفس را کنترل کنیم، دعوی و اختلافی وجود ندارد، افزود: «معنای کنترل هوای نفس این است که انصاف بین کسانی که جزو حزب و گروه و قوم خودمان هستند و کسانی که نیستند، مراعات شود و اگر بتوانیم انصاف را رعایت کنیم، می‌توانیم در جامعه تأثیرگذار باشیم. امیرالمومنین علی (ع) در ادامه می‌فرماید که وظیفه ما دولتی‌ها و مسئولان باید از درون این باور به وجود بیاید که به مردم محبت کنیم و هیچ وظیفه دیگری نداریم. اگر این باور را داشته باشیم، می‌توانیم خدمتگزار

اژه‌ای در ادامه گفت: «البته آنها امید داشتند که در نتیجه صحبت کردن با صادرکنندگان آن بیانیه، آنها را نسبت به اشتباه‌شان آگاه سازند و تأکید کردند که ممکن است آنها اعلام برائت کنند و اظهار کنند غفلت کردیم؛ علی‌احال من از همه کسانی که به صورت مستدل و متقن، بیانیه مذکور را محکوم کردند تشکر می‌کنم و امید دارم آنهايي که از روی غفلت یا اغراض خاص، این بیانیه را صادر کردند، از مسیر اشتباه‌شان بازگردند و رویه خود را اصلاح کنند؛ البته طبیعی است که دادستان تهران در این راستا، به تکلیف قانونی خود عمل خواهد کرد.» سخنان اژه‌ای دوباره آتش حمایت و حمله به این بیانیه را روشن کرد و اظهار نظرهار درباره بیانیه جبهه اصلاحات بار دیگر در صدر خبرها و مورد توجه قرار گرفت.

واکنش به سخنان اژه‌ای

احمد زیدآبادی، فعال سیاسی و روزنامه‌نگار در کانال تلگرامی خود به سخنان محسنی اژه‌ای واکنش نشان داده و نوشت: «صرف‌نظر از محتوا و شکل بیانیه جبهه اصلاحات، نوع واکنش رئیس قوه قضائیه در برابر آن، مناسب جایگاه حقوقی وی نبود. به کارگیری این نوع عبارات، در مقابل یک سلسله توصیه‌ها از جانب جمعی از کنشگران سیاسی، پیام خوبی به جامعه داخلی و خارجی مخابره نمی‌کند. آقای محسنی اژه‌ای که به طور مرتب همگان را به رعایت احتیاط، تدبیر، خوشتن‌داری و لحاظ مصالح عالی کشور در گفتار و رفتار دعوت می‌کند، به دلایلی که برای من روشن نیست، سر برخی بزرگراه‌ها، لحن امنیتی و تهدیدآمیزی به کار می‌گیرد که نه‌فقط تناسبی با موقعیت رسمی او ندارد، بلکه به آنچه مایه نگرانی خودش هم هست، دامن می‌زند.»

عمادالدین باقی، پژوهشگر و فعال حوزه حقوق بشر به سخنان اژه‌ای از طر ح ۵ سوال واکنش نشان داده و نوشت: (۱) چرا رئیس قوه قضائیه وارد این مناقشات سیاسی می‌شود؟ (۲) توجه کنید که اختلاف درباره راه مقابله با تهدیدها و خطرات علیه کشور است. (۳) چرا یک اختلاف نظر سیاسی میان طیف گسترده‌ای از نیروهای درون حاکمیت که همگی مخالفت قاطعی با تجاوز آمریکا و اسرائیل دارند را قضایی و امنیتی می‌کنید؟ (۴) بالاخره آزادی بیان چه می‌شود؟ (۵) مگر هر دیدگاهی که مخالف دیدگاه ما بود باید منکوب شود؟»

آتر منصوری، رئیس جبهه اصلاحات که پیش از این اعلام کرده بود؛ «بیانیه ما هیچ شباهتی به مواضع ترامپ ندارد، اتفاقاً در ازای تعلیق که سابقه هم داشته است، پیشنهاد رفع کامل تحریم‌ها را مطرح کرده است؛ در حالی که خواسته طرف مقابل نابودی کامل تأسیسات انرژی هسته‌ای است.» در مقابل سخنان رئیس قوه قضائیه در صفحه شخصی خود در شبکه ایکس نوشت: «بیانیه جبهه اصلاحات، نه هم‌صدایی با دشمن که صدای مردم بی‌صدایی است که نگران ایران اند. برخورد قضایی با «اظهارنظر، نقد و پیشنهاد راحل» نشان‌دهنده بحران در شنیدن است. اصلاحات فقط پلی برای عبور از بحران‌ها نیست. بلکه بخشی از راه‌حل‌ها هست و باید باشد.»

افشین حبیب‌زاده، عضو شورای مرکزی خانه کارگر نیز در واکنش به سخنان حسین شریعتمداری نوشت: «وقتی بیانیه اصلاح‌طلبان «نوشته تنائیا هو» خوانده می‌شود، مشخص است که نقدی در کار نیست، فقط فریادی از دل بن‌بست سیاسی است. وقتی حتی خواست دیپلماسی، کاهش تنش و بهبود اقتصاد را «نفاق» می‌نامند، یعنی افراط‌گرایی دیگر به هیچ راه‌حلی باور ندارد.»

حمایت از حمله به بیانیه اصلاحات

در مقابل این سخنان جبهه اصلاحات هم برخی نیز به این بیانیه تاختند.

سالار ولایتمدار آنبوش، رئیس کمیته دفاع کمیسوین امنیت ملی مجلس نیز در واکنش به این بیانیه در یادداشتی تأکید کرد: «در روزهایی که دشمنان قسم‌خورده این سرزمین، با ابزار جنگ سخت و فشارهای

